

دانشگاه‌ها در شکل دادن به آینده جامعه جهانی در زمینه توسعه پایدار نقش مهمی دارند و این امر از طریق تولید دانش جدید میسر می‌شود. این نقش خطیر آموزش عالی، جوامع را به ترسیم چشم‌اندازها و رسالت‌هایی برای این نهاد مهم سوق داده است. هدف از پژوهش حاضر، واکاوی چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ به روش ترکیبی اکتشافی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، منابع بالادستی، صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی کشور و نیز اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بوده‌اند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی منابع بالادستی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران را می‌توان در سه مقوله آموزش، پژوهش و خدمات مورد بررسی و تحلیل قرار داد. اولویت‌بندی چشم‌اندازها و رسالت‌ها نیز نشان داد «دستیابی به عدالت آموزشی» به‌عنوان اولویت نخست توسط صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی و همچنین اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری مشخص شده است. علاوه بر این، مشاهده گردید که «نیازهای اجتماعی» به‌عنوان مهم‌ترین فرصت در زمینه تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران مطرح می‌باشد.

■ واژگان کلیدی:

آموزش عالی، چشم‌انداز آموزش عالی، رسالت آموزش عالی، فرصت‌های آموزش عالی

واکاوی چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴

تحلیلی بر اولویت‌ها و فرصت‌ها

سیدابراهیم میرشاه‌جعفری

استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
jafari@edu.ui.ac.ir

سعید رجایی‌پور

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
drsrajaeepour@gmail.com

حمید عبدی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان
habdi63@gmail.com

محمدرضا نیلی

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
m.nili.a@edu.ui.ac.ir

مقدمه

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش اساسی را در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر عهده دارند. از این رو، برونداد و عملکرد آنها با حساسیت بیشتری از سوی جامعه پی‌گیری می‌گردد. این نقش خطیر و اساسی آموزش عالی سبب شده است که امروزه در برنامه‌های توسعه آینده جوامع، نقش کلیدی برای آموزش عالی در نظر گرفته شود و چشم‌اندازها و رسالت‌های این نهاد مهم در فرآیند رسیدن به توسعه مطلوب در آینده به‌صورت مشخص، تعریف و بیان گردد. این چشم‌اندازها و رسالت‌ها برای آموزش عالی، به‌منزله یک شاخص در راستای برنامه‌ریزی براساس ضعف‌ها و قوت‌های خود جهت تضمین کارایی و اثربخشی مورد توجه قرار دارد. (آنتوناکیس و هوبایبر^۱، ۲۰۰۷) به‌منظور درک اهمیت چشم‌انداز و رسالت، ارائه تعریف روشنی از آنها بسیار مفید خواهد بود.

۲۲۴

چشم‌انداز می‌تواند به‌عنوان تصویری از آنچه که سازمان می‌خواهد باشد و آنچه که در نهایت می‌خواهد به آن دست یابد تعریف گردد. (هیت^۲ و دیگران، ۲۰۱۱: ۲۱) چشم‌انداز صرفاً تخمین آینده نیست بلکه تصمیم‌گیری برای آینده است و نشان می‌دهد که چه نوع آینده‌ای برای سازمان مناسب و مطلوب است تا مطالعات و فعالیت‌ها در راستای آن هدایت شود. (یون^۳، ۲۰۰۶) بدون یک چشم‌انداز روشن، مؤسسات آموزش عالی تمرکز خود را از دست می‌دهند که به‌نوبه خود می‌تواند حرکت در مسیر تلاش‌های در زمینه بهبود را با مشکل مواجه سازد. (واس^۴ و دیگران، ۲۰۱۰: ۶۳۱ و رایت^۵، ۲۰۱۰) از سوی دیگر، رسالت، فعالیت‌ها و عملکردهای سازمانی تحت چشم‌انداز را مشخص می‌سازد (هیت و دیگران، ۲۰۱۱: ۲۱) و به رشد فرایندهای برنامه‌ریزی مناسب و آماده نمودن سازمان برای آینده کمک می‌نماید. (لی^۶ و دیگران، ۲۰۱۳) رسالت همچنین جهت و اهداف سازمان را به هم مرتبط می‌سازد. (بارتکوش^۷ و دیگران، ۲۰۰۶: ۸۸) بیانیه‌های رسالت، از آنجا که رفتار و تصمیمات سازمان را در راستای یک هدف، متحد و یکپارچه می‌نمایند، با اثربخشی بالایی همراه است. (دیویس^۸ و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۰۱) مؤسسات آموزش عالی، به‌طور مداوم، نقش

1. Antonakis & Hooheijber
2. Hitt
3. Yoon
4. Waas
5. Wright
6. Lee
7. Bartkus
8. Davis

خود را در کمک به سعادت جامعه، از طریق بیان رسالت خود اذعان می‌دارند. صراحت و روشنی در بیان آرمان‌های آموزش عالی که نشانگر اطمینان در درستی پیمودن مسیر آموزش عالی است سبب می‌گردد که سایر خرده‌نظام‌های آموزش عالی از کارکرد صحیح و اصولی برخوردار باشند. از جمله خرده‌نظام‌های اصلی نظام آموزش عالی، برنامه‌های درسی آنها می‌باشد که به‌شدت از سیاست‌های اتخاذشده در منابع بالادستی برای آموزش عالی تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر گزینه اساسی تحقق‌دهنده تمامی سیاست‌های مذکور نیز شناخته می‌شود. زیرا آموزش، پژوهش و عرضه خدمات تخصصی توسط مؤسسات آموزش عالی از طریق برنامه درسی امکان‌پذیر است. بنابراین روشن نمودن چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی و مشخص ساختن اولویت‌ها و نیز فرصت‌های موجود در زمینه تحقق این چشم‌اندازها و رسالت‌ها به‌منظور در نظر گرفته شدن در برنامه درسی، با احتساب اهمیتی که دانشگاه‌ها به برنامه درسی خود می‌دهند و نظر به نقشی که طراحی یک برنامه درسی کارآمد می‌تواند در تحقق اثربخش آرمان‌های آموزش عالی داشته باشد، از اهمیت بسیاری در نزد متولیان آموزش عالی برخوردار است. از سوی دیگر، همواره نوعی عدم توافق و اختلاف در خصوص گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت آموزش عالی و اولویت آنها در بین متولیان آموزش عالی به‌چشم می‌خورد. همچنین تأسفاتر این‌که به‌نظر می‌رسد بیشتر دانشگاهیان از مفاد اسناد بالادستی در حوزه آموزش عالی و جهت‌گیری‌های آنها اطلاعات کاملی نداشته باشند. این در حالی است که آنچه در تحقق چشم‌انداز و رسالت از اهمیت اساسی برخوردار است و آن‌را از ضمانت اجرایی برخوردار می‌سازد، نظرخواهی از متولیان و دست‌اندرکاران آموزش عالی و نهادینه کردن چشم‌اندازها و رسالت‌ها در نزد آنها است. بهره‌گیری از نظرات متولیان دانشگاهی در حوزه آموزش عالی، با توجه به تجربه مدیریتی و کارشناسانه‌ای که در زمینه مذکور دارند، در اولویت‌سنجی موارد با توجه به مقتضیات بومی جامعه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. همچنین نظرات اعضای هیئت علمی و دانشجویان که از عمده‌ترین ذی‌نفعان آموزش عالی هستند و به‌طور مستقیم، هر نوع سیاست‌گذاری و راهبرد اتخاذشده از سوی آموزش عالی بر کیفیت فعالیت و عملکرد آنها تأثیرگذار است از اهمیت ویژه در این میان برخوردار است. سازمان‌دهی چشم‌اندازها و رسالت‌ها به‌منظور ارائه آن به جامعه دانشگاهی و نیز نهادینه ساختن و اولویت‌بندی این گزاره‌ها در بین متخصصان و ذی‌نفعان آموزش عالی سبب نوعی التزام و تعهد در تحقق آنها می‌گردد. زیرا با تشریک مساعی که صورت می‌گیرد افراد

احساس می‌کنند که نظر آنها محترم و ارزشمند بوده و در برنامه‌های آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، اولویت‌بندی گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت به قابل درک بودن و متقاعدکننده بودن آن برای همه ذی‌نفعان آموزش عالی افزوده و به‌عنوان یک راهنمای عمل برای برنامه‌ریزان درسی نقش ایفا می‌نماید.

در مدل سیاست‌گذاری کنونی آموزش عالی ایران، به پژوهش‌های مستقل میدانی توجه کمتری شده است. (جاودانی، ۱۳۸۷) این امر موجب ایجاد گسست میان تولیدکنندگان دانش سیاستی و کاربران آن شده است. نتیجه اینکه اغلب مشاهده می‌شود که یافته‌های پژوهشی نهادهای تولید دانش در قلمرو علوم، تحقیقات و فناوری، به‌ندرت در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری به کار بسته می‌شوند. در واقع نوعی ناهمگرایی در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این قلمرو پدید آمده است. (امیری فرح‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۳) لذا در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده است که به واکاوی چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ در منابع بالادستی پرداخته شود. در این راستا، نخست سازماندهی مناسبی از گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت ارائه شده و سپس طی اجرای یک پژوهش میدانی، اولویت این چشم‌اندازها و رسالت‌ها و نیز فرصت‌هایی که در خصوص تحقق آنها متصور است از دیدگاه متخصصان و ذی‌نفعان آموزش عالی مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

آینده‌پژوهی^۱ و ترسیم چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی، سهم به‌سزایی از پژوهش‌های مربوط به این زمینه را در حوزه نظام آموزش عالی کشورهای پیشرفته به خود اختصاص داده است. استوارت و کیث^۲ (۱۹۹۶) با مطالعه ادبیات در زمینه رسالت آموزش عالی در آینده، تعدادی از رسالت‌های دانشگاه‌ها را استخراج و مشخص ساختند و با طراحی پرسشنامه‌ای به نظرخواهی از اعضای هیئت علمی و دانشجویان دانشگاه‌ها به رتبه‌بندی آنها پرداختند و همچنین از آنها خواستند که بیانیه رسالت دانشگاه را بنویسند. آنها دریافتند که تفاوت اندکی در دانشگاه‌های قدیم و جدید در محتوای اساسی رسالت دانشگاه‌ها وجود دارد. همچنین دانشگاه‌های جدید، تمایل و اشتیاق بیشتری به بیانیه رسالت خود و ارزش آن به نسبت دانشگاه‌های قدیمی‌تر داشته‌اند. تحقیق آنها همچنین به این نتیجه انجامید که بیانیه‌های رسالت، از حیث توجه به عملکرد و آنچه که باید

1. Future Study
2. Stuart & Keith

انجام گیرد و لحاظ نمودن نظرات ذی‌نفعان دارای قوت‌اند، اما در تعریف وضعیت راهبردی دانشگاه و ارائه دیدگاه در زمینه چشم‌اندازی از آینده ناتوان‌اند.

روثمن^۱ (۱۹۹۹؛ به‌نقل از روثمن و دیگران، ۲۰۱۱) در مطالعه پیمایشی دانشگاهی آمریکای شمالی^۲ از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای، به نظر خواهی از دانشجویان، اعضای هیئت علمی و مدیران در مورد انتخاب یکی از دو چشم‌انداز آموزش عالی (رشد ایده‌های جدید و پاسخ به نیازهای اقتصادی) پرداختند. پژوهش آنها به این نتیجه انجامید که اکثریت اعضای هیئت علمی و مدیران، نقش گسترده دانشگاه را رشد ایده‌های جدید می‌دانند. دانشجویان نیز علی‌رغم دغدغه شغلی و استخدای که داشتند، با این حال، نقش دانشگاه‌ها را رشد ایده‌های جدید دانسته‌اند. در سؤال دیگری از پیمایش دانشگاهی آمریکای شمالی (۱۹۹۹)، از اعضای هیئت علمی و مدیران خواسته شد که در یک طیف هفت درجه‌ای (اصلاً مهم نیست تا اساسی) به هر یک از رسالت‌های آموزش عالی نمره بدهند. نتایج نشان داد که هر دو دسته مدیران و اعضای هیئت علمی، بیشترین رأی را به وظیفه فراهم نمودن آموزش عمومی و گسترده به‌عنوان رسالت آموزش عالی داده‌اند و این رسالت بیشترین اهمیت را در هر دو گروه داشته است. بعد از آن، رسالت‌های آماده نمودن دانشجویان برای استخدام در رده دوم، رسالت یادگیری در مورد فعالیت‌های ادبی کلاسیک (یونانی و رومی) تمدن غربی در رده سوم و در نهایت یادگیری در مورد اهمیت فرهنگ‌های غیر غربی در مرتبه چهارم جای گرفتند. (روثمن و دیگران، ۱۹۹۹؛ به‌نقل از روثمن و دیگران، ۲۰۱۱)

در مطالعات انجام شده توسط بویر و همکاران (۲۰۰۲؛ به‌نقل از مهدی، ۱۳۹۲: ۷۰۱) حداقل هفت روند جامع درباره آینده آموزش عالی و دانشگاه‌ها شناسایی و تبیین شده‌اند: توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، بازاری شدن آموزش عالی و علم، جهانی شدن، بین‌المللی شدن و منطقه‌ای شدن، پیشرفت جامعه شبکه‌ای، پیشرفت جامعه دانش، تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تغییرات جمعیت‌شناختی. مرکز تحقیق و نوآوری آموزشی^۳ با حمایت سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۴ در سال ۲۰۰۴، تحقیقی را در مورد آینده دانشگاهی انجام داد که در آن نیروهای پیشران کلیدی و چالش‌هایی که برای نظام‌های آموزش عالی به‌وجود می‌آورد، بررسی و توصیف شد که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از تحولات جمعیت‌شناختی، میل به مشارکت، تحولات در حوزه حکومت، تحول منابع مالی، اقتصاد دانشی و بازیگران

1. Rothman

2. NAASS: North American Academic Survey Study

3. CERl: Centre for Educational Research and Innovation

4. OECD: Organization for Economic Cooperation and Development

جدید در آموزش عالی. (مرکز تحقیق و نوآوری آموزشی، ۲۰۰۶)

نمونه دیگر استفاده از آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی‌های دانشگاه، تجربه دانشگاه دوبلین می‌باشد. این پروژه در دو بخش سناریوهای محیطی و سناریوهای برنامه دانشگاهی صورت پذیرفته است. در این سناریوها، ذی‌نفعان در یک طرف قضیه به صورت دولت، اجتماع و شهروندان و در طرف دیگر، از طریق بازار، فرد و مشتریان عمل می‌کنند و برحسب تقاطع آنها چهار مؤلفه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد. برحسب دو عامل تحرک و باز بودن دانشگاه، دو سناریو تعریف شده است: در اولی که بیشتر طرف دولت، اجتماع و شهروندان است و تحرک و باز بودن نسبتاً کمتر مدنظر قرار گرفته است، دانشگاه باید خاستگاه اجتماعی و نیازهای محلی و مشارکت و هویت را در افق خود قرار بدهد و در سناریوی دوم، دانشگاه باید بازار و تحرک و باز بودن بیشتر را منظور کند که مقتضیات رقابتی و جهانی‌شدن را با خود دارد. (مانک و مک‌کانیل^۱، ۲۰۰۹) در زمینه تجربه آینده‌پژوهی در آموزش عالی، بلاس^۲ و همکاران (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود در آینده آموزش عالی و دانشگاه‌های بریتانیا براساس چشم‌انداز ۲۰۳۵، با بهره‌گیری از روش سناریونویسی، پنج سناریو را مطرح نمودند. پژوهش آنها به این نتیجه انجامید که بازار دانشجویان غیرسنی^۳، دموکراسی و نقش رسانه از روندهای جامع مؤثر بر آینده دانشگاه‌ها می‌باشند.

در داخل کشور نیز، گام‌های مهمی در زمینه سیاست‌گذاری علم و فناوری آموزش عالی و ترسیم جهت آینده دانشگاهی برداشته شده است. الوانی و مردانی (۱۳۹۱) در پژوهشی به طراحی الگوی توسعه آموزش عالی ایران در افق چشم‌انداز بیست‌ساله کشور پرداختند. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در طراحی الگوی توسعه آموزش عالی و بررسی میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های ده‌گانه بر فرآیند توسعه (ارزشی - دینی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی - سازمانی، جغرافیایی، جمعیتی، زمانی، فناوری، سیاسی و امنیتی)، سه عامل مدیریتی - سازمانی، فرهنگی - اجتماعی و جغرافیایی نسبت به دیگر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردارند.

قاضی‌نوری و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی به بررسی اهداف و ابزارهای سیاستی در اسناد مرتبط با علم و فناوری پرداختند. در این پژوهش، با روش تحلیل محتوای کیفی، اسناد کلان مرتبط با علم و فناوری کشور شامل سند سیاست‌های کلی علم و فناوری، سند

1. Munck & Mcconnell
2. Blass
3. Non- Traditional

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نقشه جامع علمی کشور، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه پنجم توسعه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اهداف سیاستی ارتقاء ظرفیت پژوهش و بهبود عملکرد فناوری و نوآوری، دارای بالاترین فراوانی تکرار بوده‌اند. از منظر ابزارهای سیاستی و براساس نوع مداخله دولت، حمایت مالی برای تحریک طرف عرضه و سیاست‌های اصلاحی شرایط کلان، دارای بالاترین فراوانی تکرار بوده‌اند. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که تدوین احکام سیاستی در حوزه علم و فناوری نیازمند استفاده از اهداف و ابزارهای سیاستی متنوع و ترکیب ابزارها برای اثربخشی بیشتر است.

جامعه ایران که همواره دغدغه توسعه در طی سال‌های اخیر داشته، به نقش اساسی آموزش عالی در این زمینه واقف بوده و به‌تدوین چشم‌اندازها و رسالت‌های نظام آموزش عالی در قالب منابع بالادستی و در جهت تحقق آرمان‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله همت گمارده است. با توجه به کارکردهای سه‌گانه نظام آموزش عالی (تولید، انتقال و انتشار علم) برخی از صاحب‌نظران معتقدند که ایران در حوزه سه کارکرد یادشده حرکت یکسانی نداشته و در مواردی با پیشرفت و سرعت به نسبت بالا و در موارد دیگر با کندی حرکت روبرو بوده است، به‌طوری که گفته می‌شود نظام آموزش عالی ایران از دو خط‌مشی تولید علم و به‌کارگیری علم در جامعه دور افتاده است و تنها بر انتقال علم در قالب گسترش آموزش یا افزایش بیش از حد پذیرش و تربیت دانشجو تأکید کرده است (الوانی و مردانی، ۱۳۹۱) و از سیاست‌گذاری مطلوب درخصوص طراحی یک برنامه درسی اثربخش به‌منظور همسو نمودن دانشگاه‌ها با مسائل جامعه و آهنگ تحولات پیشرو جهانی برخوردار نیست. با در نظر گرفتن این اهمیت و ضرورت، پژوهش حاضر در تلاش است که به واکاوی چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ در منابع بالادستی بپردازد. در این ارتباط، پاسخگویی به سؤالات فرعی ذیل در دستور کار قرار گرفته است:

سؤالات فرعی

۱. چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ چیست؟
۲. اولویت‌بندی چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی و اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری چگونه است؟
۳. آموزش عالی از چه فرصت‌هایی در زمینه تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها برخوردار است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر توسعه‌ای بوده و به روش ترکیبی اکتشافی انجام گرفته است. در این راستا، از روش کیفی برای تحلیل محتوای کیفی منابع بالادستی و مصاحبه با صاحب‌نظران آموزش عالی و از روش کمی به منظور جمع‌آوری داده‌ها از صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی و نیز اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری استفاده گردید. همچنین از داده‌های حاصل از تحلیل محتوای کیفی بر روی منابع بالادستی برای ساخت پرسشنامه بهره گرفته شد. جامعه اول پژوهش حاضر، منابع بالادستی بوده است که جهت‌گیری در راستای چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی داشته‌اند. از این جامعه آماری، هفت منبع بالادستی چشم‌انداز بیست‌ساله، سند تحول علم و فناوری، نقشه جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور، سند دانشگاه اسلامی، سیاست‌های کلی علم و فناوری و برنامه ششم توسعه مبتنی بر سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری (۱۳۹۳) با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و تحلیل محتوای کیفی بر روی آنها انجام گرفت. منابع مذکور به این دلیل انتخاب شدند که بازتاباننده دقیق‌تر پرسش پژوهش در جهت پاسخ به تحلیل چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی هستند. صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی کشور به‌عنوان جامعه دوم پژوهش بودند. از این جامعه آماری به‌طور هدفمند ۱۴ نفر انتخاب شده و به رتبه‌بندی چشم‌اندازها و رسالت‌ها و نیز مصاحبه نیمه ساختاریافته با آنها در زمینه فرصت‌های موجود در زمینه تحقق این چشم‌اندازها و رسالت‌ها اقدام گردید. این افراد دارای اطلاعات ارزشمند در زمینه موضوع پژوهش بوده و اغلب دارای جایگاه‌های مدیریتی در حوزه آموزش عالی بوده‌اند.

جامعه دیگر پژوهش حاضر، اعضای هیئت علمی تمام وقت و دانشجویان دکتری دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بودند که جمعیت ۲۶۹۹ نفری (۲۰۴۲ دانشجوی دکتری و ۶۵۷ نفر عضو هیئت علمی) را تشکیل می‌دادند. از این جامعه آماری با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۳۳۸ نفر به‌عنوان کفایت حجم نمونه تشخیص داده شدند که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و به نسبت حضور هر طبقه در جامعه، از هر یک از طبقات اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری، تعدادی برای شرکت در نمونه پژوهش انتخاب شدند. به این منظور از مجموع ۲۰۴۲ نفر دانشجوی دکتری حاضر در جامعه آماری، تعداد ۲۵۶ نفر؛ و از مجموع ۶۵۷ عضو هیئت علمی حاضر در جامعه آماری، تعداد ۸۲ عضو هیئت علمی برای شرکت در نمونه پژوهش، انتخاب گردید.

به‌منظور جمع‌آوری داده‌های حاصل از بخش کیفی، از فرم تحلیل محتوا و نیز فرم مصاحبه بهره گرفته شده است. به‌منظور بررسی روایی این ابزارها، از روش روایی صوری و محتوایی و از نظر متخصصان استفاده گردید. برای این منظور، ابتدا فرم اولیه تحلیل محتوای کیفی منابع بالادستی که شامل مؤلفه‌های چشم‌انداز و رسالت و ابعاد مورد نظر برای بررسی در هر کدام از این مؤلفه‌ها می‌شد و نیز فرم مصاحبه که دربرگیرنده سؤالات اولیه در زمینه فرصت‌های آموزش عالی در جهت تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها بود، در اختیار شش نفر از صاحب‌نظران حوزه علم و فناوری و سیاست‌گذاری آموزش عالی برای تغییر و اصلاح قرار گرفت که پس از اعمال نظر و تأیید آنها، فرم تحلیل محتوا و مصاحبه تهیه و بدین‌وسیله روایی‌سنجی گردیدند. پایایی ابزارهای مذکور، نیز با استفاده از روش پایایی بین کدگذاران و قرار دادن خلاصه مطالب و مقوله‌های تعیین‌شده در اختیار پنج نفر آگاه به روش‌های پژوهش کیفی و اعمال نظرهای آنان، بررسی و تأیید گردید. در بخش کیفی بدین‌گونه عمل شد که ابتدا تحلیل محتوای کیفی بر روی منابع بالادستی انجام گرفت. کدها و مقوله‌های مستخرج، بعد از بررسی توسط پنج نفر از آگاهان به پژوهش کیفی و تأیید پایایی بین کدگذاران، در مرحله بعد، در اختیار شش نفر از صاحب‌نظران حوزه علم و فناوری و سیاست‌گذاری آموزش عالی قرار گرفت و نظرات اصلاحی آنها در زمینه موارد استخراج شده اعمال گردید (قابل ذکر است که این افراد در مرحله قبل از انجام تحلیل محتوا، روایی‌سنجی ابزارها را نیز انجام داده بودند) سپس نسخه اصلاحی مجدداً برای آنها ارسال و مورد بررسی و تأیید آنها قرار گرفت. در بخش بعدی از پژوهش کیفی، از ۱۴ نفر از صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی خواسته شد که به سؤال در زمینه فرصت‌های آموزش عالی در زمینه تحقق این چشم‌اندازها و رسالت‌ها پاسخ دهند.

برای جمع‌آوری داده‌های کمی از پرسشنامه محقق‌ساخته چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی که از تحلیل محتوای کیفی منابع بالادستی به‌دست آمده بود، استفاده گردید. در تدوین پرسشنامه، بنابر توصیه شش نفر از صاحب‌نظران حوزه علم و فناوری و سیاست‌گذاری آموزش عالی که بررسی و تأیید روایی ابزار مذکور را انجام داده‌اند، گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت در هم ادغام گردید و با هم در قالب چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی در پرسشنامه ذکر گردید. این پرسشنامه شامل ۱۴ گویه بود که از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود که میزان اولویت هر گزاره را برای آموزش عالی مشخص نمایند. برای هر گویه، پنج گزینه براساس طیف لیکرت «بسیار کم تا بسیار زیاد» و یک گزینه دیگر با عنوان «نظری

ندارم» برای پاسخ دادن در نظر گرفته شده بود که در تجزیه و تحلیل داده‌ها به تناسب ۱ (بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) نمره به هر گویه اختصاص داده شد و گزینه «نظری ندارم» فاقد نمره بود. پرسشنامه مذکور، در اختیار چهارده نفر از صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی که به سؤال مصاحبه نیز پاسخ داده بودند قرار گرفت تا به رتبه‌بندی گویه‌ها بپردازند (قابل ذکر است که پرسشنامه در زمان انجام مصاحبه‌ها و به همراه سؤال مصاحبه، به مصاحبه‌شوندگان داده شده بود) همچنین از اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری خواسته شد که به هر یک از گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت در قالب پرسشنامه‌ای که به صاحب‌نظران آموزش عالی داده شده بود پاسخ دهند. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ نهایی با تحلیل داده‌های پرسشنامه توزیع شده بین اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری، ۰/۸۹ تعیین شده است. به‌منظور تحلیل داده‌های کیفی و استخراج مقوله‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی و برای تحلیل داده‌های کمی، از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی) استفاده شده است.

یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های پژوهش، به تفکیک هر سؤال آورده شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

سؤال اول: چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ چیست؟

در تحلیل محتوای منابع بالادستی، متن اسناد و سیاست‌ها به‌طور دقیق مورد بررسی و کند و کاو قرار گرفت و در مجموع ۱۰۳ کد (۶۸ مورد چشم‌انداز و ۳۵ مورد رسالت) استخراج شد. بعد از تحلیل محتوا بر روی کدهای حاصل و ترکیب کدهای تکراری در یک منبع با یکدیگر، در مرحله دوم، ۸۲ کد (۵۱ مورد چشم‌انداز و ۳۱ مورد رسالت) و در مرحله سوم، ۶۵ کد (۴۳ مورد چشم‌انداز و ۲۲ مورد رسالت) به‌دست آمد و بر این اساس، مقوله‌های اصلی (آموزش، پژوهش و خدمات) در هر یک از مؤلفه‌های چشم‌انداز و رسالت براساس سه کارکرد آموزش عالی حاصل گردید و در هر مقوله، موضوعات مهم‌تر و کلی‌تر به تفکیک، مشخص شده و به‌عنوان چشم‌انداز و رسالت آموزش عالی در نظر گرفته شد. در جدول ۱، نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی بر روی منابع بالادستی در زمینه چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ذکر شده است.

جدول ۱: تحلیل محتوای کیفی منابع بالادستی در زمینه چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی
در افق ۱۴۰۴

مقاله	زیرمقاله	کدها	زمینه اصلی
آموزش	۱. رشد آموزش مادام‌العمر؛ ۲. دستیابی به عدالت آموزشی؛ ۳. تحول و ارتقای علوم انسانی؛ ۴. اهتمام به ارزش‌های فرهنگی؛ ۵. بهره‌مندی از اساتید کارآمد	۱. فرصت‌های آموزشی مادام‌العمر (۱)؛ ۲. امکان دسترسی به اطلاعات و دانش برای همه آحاد جامعه (۱)؛ ۳. توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عالی (۷)؛ ۴. تحول و ارتقای علوم انسانی (۲، ۵ و ۷)؛ ۵. تبیین و توسعه فرهنگ جهانی اسلام (۳)؛ ۶. دارای اساتید عالم، متدین و عدالت‌خواه و آزاداندیش تربیت‌یافته در مکتب اسلام و انقلاب (۳ و ۷)؛ ۷. اساتید مسئولیت‌پذیر در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی (۳)؛ ۸. اساتید دارای توانایی تربیت متخصصانی متدین و متعهد و دانشمندانی برتر (۳)؛ ۹. اساتید انقلابی (۳ و ۷)؛ ۱۰. اساتیدی محقق (۳)؛ ۱۱. اساتید تولیدکننده علم نافع (۳)؛ ۱۲. علوم منطبق بر آموزه‌های دینی و حیانی و مبانی انقلاب اسلامی (۲ و ۳)؛ ۱۳. جذب هیئت علمی مستعد و بانگیزه (۵ و ۷)؛ ۱۴. اساتیدی با توانایی تولید محتوای آموزشی منطبق بر دین (۳)؛ ۱۵. ارتقای منزلت و بهبود معیشت اساتید (۷)؛ ۱۶. اهتمام به زبان و ادب فارسی (۷)؛ ۱۷. تربیت دانشمندانی در تراز بهترین‌های جهان (۴)	
چشم‌انداز	۱. اهتمام به ارزش‌های دینی و فرهنگی در تولید و توسعه فناوری؛ ۲. پیشستاز در مرزهای دانش و فناوری در جهان؛ ۳. بهره‌مند از نیروی انسانی کارآمد در عرصه پژوهش و فناوری؛ ۴. برخوردار از نهادها و شبکه‌های علمی و فناوری؛ ۵. توسعه نهضت نرم‌افزاری؛ ۶. تأکید بر تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای در آموزش عالی	۱. توانا در تولید و توسعه علم و فناوری و نوآوری (۴، ۵، ۶ و ۷)؛ ۲. پیشستاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان (۴)؛ ۳. نهادها و شبکه‌های علمی و فناوری کارآمد (۱)؛ ۴. جایگاه اول علم و فناوری منطقه (۱ و ۷)؛ ۵. دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های پیشگام در عرصه تولید دانش تمدنی (۳)؛ ۶. گسترش مرزهای دانش و علوم کاربردی مبتنی بر نگرش و حیانی (۳)؛ ۷. پیشستاز نهضت نرم‌افزاری (۳)؛ ۸. جذب و تربیت محققانی نوآور و توانمند در حل و تحلیل چالش‌های علمی و بین‌المللی (۳)؛ ۹. تعامل با حوزه (۳ و ۷)؛ ۱۰. تحکیم پیوند میان نظام آموزش عالی با تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای (۷)؛ ۱۱. پیشستاز در فناوری‌های نوین (۱ و ۶)	
دندان	۱. بهره‌مند از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی غنی؛ ۲. ارتقای سطح کیفی زندگی افراد جامعه؛ ۳. ایجاد تغییر مثبت در زمینه نگرش افراد جامعه به زندگی	۱. برخوردار از انسان‌های صالح و فرهیخته و تربیت‌شده در مکتب اسلام و انقلاب (۳ و ۴)؛ ۲. دانش‌آموختگانی مولد ثروت و اقتدار ملی (۱)؛ ۳. جامعه‌ای بهره‌مند از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی غنی (۱)؛ ۴. دانش‌آموختگانی خردورز، آزاداندیش و خلاق (۳)؛ ۵. دانش‌آموختگانی با اعتماد به نفس علمی و ملی بالا (۳)؛ ۶. دانش‌آموختگانی با قابلیت تأمین استقلال علمی و خودکفایی کشور (۳)؛ ۷. دانش‌آموختگانی برخوردار از هویت تمدن‌ساز اسلامی - ایرانی (۳، ۶ و ۱۰)؛ ۸. دانش‌آموختگانی متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی (۳)؛ ۹. جامعه‌ای الگو در زمینه سبک زندگی اسلامی. ایرانی (۳)؛ ۱۰. جامعه‌ای متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی (۶)؛ ۱۱. جامعه‌ای متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی خود (۶)؛ ۱۲. ارتقای مردم‌سالاری دینی (۶)؛ ۱۳. گسترش عدالت اجتماعی (۶)؛ ۱۴. توسعه ایران (۶ و ۷)؛ ۱۵. بهره‌مند از امنیت اجتماعی (۶)	

اصول زبینه	مقوله	زیرمقوله	کدها
رسالت	آموزش	۱. اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی؛ ۲. توسعه علوم پایه؛ ۳. متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نیازهای تولید و اشتغال؛ ۴. تربیت متخصصینی متعدد و کارآفرین	۱. گسترش و تقویت بنیان‌های محیط آموزشی خلاق و فضیلت پرور (۱)؛ ۲. اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی (۵ و ۷)؛ ۳. توسعه علوم پایه (۲، ۵ و ۷)؛ ۴. متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نیازهای تولید و اشتغال (۲)؛ ۵. تربیت متخصصینی متعدد، متخلص، ماهر و کارآفرین (۳ و ۷)؛ ۶. افزایش سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزش کشور (۲)؛ ۷. ارتقای توانمندی و سطح علمی منابع انسانی (۷)؛ ۸. روزآمد کردن دانش (۷)
		۱. ارتقای بخشی و نهادینه‌سازی پژوهش و فناوری در افراد و سازمان‌ها؛ ۲. بهره‌گیری از فناوری به همراه کارآفرینی و اخلاق حرفه‌ای و در خدمت نیازهای جامعه اسلامی؛ ۳. گسترش تعامل با سایر کشورها در زمینه پژوهش و فناوری؛ ۴. توسعه پژوهش‌های بنیادین و نظریه‌پردازی؛ ۵. تجاری‌سازی پژوهش و فناوری	۱. نهادینه‌کردن پژوهش‌محوری و نوآوری در افراد و سازمان‌ها (۱)؛ ۲. ایجاد، انتقال، جذب، بومی‌سازی، انتشار و به‌کارگیری فناوری به همراه کارآفرینی و اخلاق حرفه‌ای (۱ و ۷)؛ ۳. توسعه تحقیقات بنیادی (۲، ۵ و ۷)؛ ۴. نظریه‌پردازی و نوآوری (۲ و ۷)؛ ۵. ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد (۲)؛ ۶. تعامل فعال با سایر کشورها در زمینه پژوهش و فناوری (۲ و ۷)؛ ۷. حمایت از پژوهش‌های مسئله‌محور (۲)؛ ۸. تجاری‌سازی پژوهش و نوآوری (۲)؛ ۹. تولید علم و فناوری در خدمت نیازهای جامعه اسلامی (۳)؛ ۱۰. ارتقای کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط (۵)
	۱. تقویت خردورزی و آزاداندیشی در جامعه؛ ۲. تولید درآمد؛ ۳. تأمین رفاه اجتماعی جامعه	۱. نهادینه کردن تفکر هوشمندانه و نقادانه در جامعه (۱)؛ ۲. تولید ثروت و تأمین رفاه اجتماعی جامعه (۱)؛ ۳. انتشار علم و فناوری در خدمت نیازهای جامعه اسلامی (۳)؛ ۴. توسعه تجارت و صادرات محصولات دانش‌بنیان (۲)	

۱. سند تحول راهبردی علم و فناوری؛ ۲. سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه؛ ۳. سند دانشگاه اسلامی؛ ۴. نقشه جامع علمی کشور؛ ۵. سیاست‌های کلی علم و فناوری؛ ۶. سند چشم‌انداز بیست‌ساله؛ ۷. سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علم و فناوری

همان‌طوری که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد، کدها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها به تفکیک چشم‌انداز و رسالت ذکر شده است. مقوله‌ها براساس سه کارکرد آموزش عالی که سه بازوی آموزش عالی در تحقق اهداف خود محسوب می‌گردد آورده شده است. موضوعات مهم‌تر که کلی‌تر از بقیه موارد و یا ترکیبی از چند کد هستند به‌عنوان زیرمقوله در نظر گرفته شده‌اند. کدها نیز حاصل تحلیل محتوای انجام‌گرفته بر روی گزاره‌ها در منابع بالادستی‌اند. در تحلیل محتوا بر روی کدها، کدهای تکراری که موارد زیادی را در هر منبع به خود اختصاص می‌دادند با یکدیگر ترکیب‌شده و با عنوان یک کد کلی‌تر و نماینده آن منبع ذکر شده‌اند. منابع بالادستی که کدها از آن مستخرج شده‌اند، با ذکر شماره (۱ تا ۷)

برای هر کد مشخص شده است.

یافته‌های جدول ۱ نشان داد که در راستای تحقق آرمان‌های متصور برای ایران در افق ۱۴۰۴، منابع بالادستی تأکید ویژه و وافر به مقوله علم و فناوری داشته‌اند که به‌عنوان چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی، می‌تواند نقش مهمی در برنامه‌ریزی آموزش عالی ایفا نمایند. جهت‌گیری‌هایی که منابع بالادستی نسبت به علم و فناوری داشته‌اند، جامع‌نگرانه و با مدنظر قرار دادن توسعه ملی صورت‌گرفته است. این جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها که در پژوهش حاضر به‌صورت سازماندهی‌شده و بسیار روشن ارائه گردید به‌عنوان شاخص و راهنما در دست متولیان و برنامه‌ریزان درسی آموزش عالی قرار خواهد داشت تا با حرکت صحیح در راستای نیل به آنها به تحقق چشم‌اندازهای توسعه کشور و نقش آموزش عالی در این زمینه مدد رسانند.

۲۳۵

سؤال دوم: اولویت‌بندی چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی و اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری چگونه است؟

در این بخش، یافته‌های حاصل از پژوهش کمی که در قالب پرسشنامه توسط صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی و نیز اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری پاسخ داده شده بود، آورده شده است.

بر طبق یافته‌های جدول ۲، که رتبه‌بندی شاخص‌های چشم‌انداز و رسالت از دیدگاه صاحب‌نظران را نشان می‌دهد، نتیجه آزمون فریدمن (که برای بررسی معناداری رتبه‌بندی در این آزمون از آماره خی دو استفاده می‌شود) با آماره $31/05$ در سطح $0/05$ معنی‌دار است ($P < 0/05$) براساس نتایج حاصل‌شده، گویه‌های شماره ۱، ۲ و ۳ «دستیابی به عدالت آموزشی» و «اهتمام به ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی» و «ارتقای کیفیت زندگی افراد جامعه» هر سه به‌طور مشترک با میانگین رتبه $9/04$ و میانگین $4/78$ به‌عنوان عامل‌های اول شناسایی شدند و «بهره‌گیری از علم و فناوری در خدمت نیازهای جامعه اسلامی» و «ارتقای علوم انسانی» به‌ترتیب به‌عنوان عامل‌های دارای اولویت دوم و سوم شناخته شده‌اند. عامل «پیشتازی در مرزهای دانش و فناوری در جهان» در رتبه آخر قرار گرفته است. براساس این نتایج، می‌توان گفت که گویه شماره ۱، ۲ و ۳ از بیشترین اولویت و گویه «پیشتازی در مرزهای دانش و فناوری در جهان» از کمترین اولویت در زمینه چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی، از دیدگاه صاحب‌نظران آموزش عالی

برخوردار بوده است. همان طوری که در جدول مشاهده می‌گردد، اختلاف بارزی در وضعیت رتبه‌دهی صاحب‌نظران به چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی وجود دارد، به طوری که اختلاف میانگین رتبه سه عامل نخست با سه عامل آخر، بسیار چشمگیر است. (جدول ۲)

جدول ۲: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های چشم‌انداز و رسالت از دیدگاه صاحب‌نظران (N=۱۴)

رتبه	چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه به ترتیب اولویت	خی دو
۱	دستیابی به عدالت آموزشی	۴/۷۸	۰/۴۲	۹/۰۴	Sig=۰/۰۰۲ *P<۰/۰۵
۱	اهتمام به ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی	۴/۷۸	۰/۴۲	۹/۰۴	
۱	ارتقای کیفیت زندگی افراد جامعه	۴/۷۸	۰/۴۲	۹/۰۴	
۲	بهره‌گیری از علم و فناوری در خدمت نیازهای جامعه اسلامی	۴/۷۱	۰/۴۶	۸/۵۴	
۳	ارتقای علوم انسانی	۴/۷۱	۰/۴۶	۸/۵۰	
۴	اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی	۴/۶۴	۰/۴۹	۸/۱۱	
۵	برخورداری از نیروی انسانی، نهادها و شبکه‌های علمی و فناوری کارآمد	۴/۶۴	۰/۴۹	۸/۱۱	
۶	تقویت خردورزی و آزاداندیشی	۴/۵۷	۰/۵۱	۷/۶۱	
۷	اهتمام به یادگیری مادام‌العمر	۴/۵۰	۰/۵۱	۷/۲۵	
۸	توسعه پژوهش‌های بنیادین و نظریه‌پردازی	۴/۳۵	۰/۸۴	۷/۰۴	
۹	توسعه نهضت نرم‌افزاری	۴/۲۸	۰/۷۲	۶/۵۴	
۱۰	گسترش تعامل با سایر کشورها در زمینه پژوهش و فناوری	۴/۲۷	۰/۸۲	۶	
۱۱	تجاری‌سازی پژوهش و فناوری در جهان	۴/۲۱	۰/۴۲	۵/۳۲	
۱۲	پیشتازی در مرزهای دانش و فناوری در جهان	۴	۰/۷۸	۴/۹۶	

۲۳۶

*P<۰/۰۵

جدول ۳، رتبه‌بندی شاخص‌های چشم‌انداز و رسالت را از دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی چشم‌انداز و رسالت از دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان (N = ۳۳۸)

رتبه	چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه به ترتیب اولویت	خی دو
۱	دستیابی به عدالت آموزشی	۴/۶۹	۰/۴۹	۸/۴۵	Sig. = .۰۰۰ ۲۲۵/۸۹۷*
۲	برخورداری از نیروی انسانی، نهادها و شبکه‌های علمی و فناوری کارآمد	۴/۶۳	۰/۵۲	۸/۲۴	
۳	ارتقای کیفیت زندگی افراد جامعه	۴/۶۲	۰/۵۶	۸/۱۵	
۴	اهتمام به ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی	۴/۶۱	۰/۶۲	۸/۰۸	
۵	بهره‌گیری از علم و فناوری در خدمت نیازهای جامعه اسلامی	۴/۶۰	۰/۵۹	۸/۰۱	
۶	توسعه پژوهش‌های بنیادین و نظریه‌پردازی	۴/۵۹	۰/۵۸	۷/۹۴	
۷	تقویت خردورزی و آزاداندیشی	۴/۵۹	۰/۵۶	۷/۹۳	
۸	توسعه نهضت نرم‌افزاری	۴/۴۸	۰/۶۹	۷/۳۵	
۹	تجاری‌سازی پژوهش و فناوری	۴/۴۷	۰/۶۷	۷/۲۳	
۱۰	اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی	۴/۴۵	۰/۶۸	۷/۱۴	
۱۱	ارتقای علوم انسانی	۴/۴۳	۰/۶۵	۶/۹۳	
۱۲	ارتقای یادگیری مادام‌العمر	۴/۳۶	۰/۷۳	۶/۶۸	
۱۳	گسترش تعامل با سایر کشورها در زمینه پژوهش و فناوری	۴/۳۳	۰/۷۳	۶/۴۵	
۱۴	پیشتازی در مرزهای دانش و فناوری در جهان	۴/۳۲	۰/۷۳	۶/۴۱	

*P < ۰/۰۵

بر طبق یافته‌های جدول ۳، نتیجه آزمون فریدمن با آماره ۸۹۷/۲۲۵ در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است (P < ۰/۰۵) براساس نتایج حاصل‌شده گویه‌های «دستیابی به عدالت آموزشی»، «برخورداری از نیروی انسانی، نهادها و شبکه‌های علمی و فناوری کارآمد» و «ارتقای کیفیت زندگی افراد جامعه» به ترتیب با میانگین رتبه ۸/۴۵، ۸/۲۴ و ۸/۱۵ به‌عنوان عامل‌های اول تا سوم و نیز گویه «پیشتازی در مرزهای دانش و فناوری در جهان» با میانگین رتبه ۶/۴۱ به‌عنوان عامل دارای کمترین اولویت از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری شناخته شده است. چنانچه در جدول مشاهده می‌گردد، اختلاف چشم‌گیری بین گویه‌ها از نظر میانگین رتبه وجود ندارد و دامنه تغییرات از رتبه‌های نخست به پایین، ملایم است.

در مجموع از یافته‌های جدول‌های شماره ۲ و ۳ می‌توان دریافت که در رتبه‌بندی چشم‌اندازها و رسالت‌ها توسط صاحب‌نظران آموزش عالی و نیز اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری، اولویت نخست به عدالت آموزشی و اولویت آخر به پیشتازی در مرزهای دانش و فناوری در جهان داده شده است. این نتایج نشان می‌دهد که دغدغه اصلی آموزش عالی از دیدگاه صاحب‌نظران و ذی‌نفعان آموزش عالی بر عدالت آموزشی قرار دارد و این امر به‌عنوان یکی از چشم‌اندازهای آموزش عالی، دلالت‌هایی را برای برنامه درسی آموزش عالی داشته و نیازمند طراحی یک برنامه درسی اثربخش در راستای تحقق آن است.

علاوه بر این نشان داده شد که اختلاف بیشتری در اولویت‌بندی گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت از نظر صاحب‌نظران آموزش عالی وجود دارد و تفاوت بین رتبه‌ها به‌ویژه رتبه‌های نخست و آخر زیاد است. این امر نشان‌دهنده آن است که برخی از گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت نسبت به برخی دیگر از موارد، از اولویت بیشتری در نزد صاحب‌نظران با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه و نیز آینده آموزش عالی برخوردار است. اما این اختلاف در اولویت‌بندی چشم‌اندازها و رسالت‌ها از سوی اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری خیلی زیاد نیست و این گروه، تمایز زیادی را در بین گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت از نظر رتبه‌بندی قایل نشده‌اند. البته قابل ذکر است که رتبه‌بندی که در پژوهش حاضر صورت گرفته، به‌معنای آن نیست که سیاست‌های دارای رتبه‌های پایین‌تر از اهمیت برخوردار نیستند، بلکه همه سیاست‌های استخراج شده از منابع بالادستی، دارای اهمیت‌اند و می‌باید مورد توجه مسئولان و تصمیم‌گیران آموزش عالی قرار گیرد. رتبه‌بندی مذکور تنها نشان‌دهنده اولویت برخی از گزاره‌ها در مقایسه با گزاره‌های دیگر با در نظر گرفتن شرایط و اقتضائات بومی حاکم در آموزش عالی و انتظارات از آموزش عالی کشور است.

سؤال سوم: آموزش عالی از چه فرصت‌هایی در زمینه تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها برخوردار است؟

به‌منظور شناسایی، واکاوی و تبیین فرصت‌های موجود در جهت تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی، پس از پیاده‌سازی متن ۱۴ مصاحبه، متن مصاحبه‌ها چندین بار مورد کند و کاو قرار گرفت و جملات معنی‌دار در تک‌تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و ۱۳۶ گزاره (کد) استخراج شد. پس از انجام تحلیل محتوا بر روی گزاره‌های به‌دست آمده، در مرحله دوم ۱۱۱ و در مرحله سوم ۹۱ گزاره حاصل شد و بر این‌اساس مقوله‌های

اصلی تعیین گردید و نهایتاً ۵ محور یا مقوله اصلی استخراج و طبقه‌بندی گردید. در ادامه مقوله‌های استخراج‌شده و نیز برخی از مهم‌ترین نمونه‌های اظهارات مصاحبه‌شوندگان در خصوص هر مقوله ارائه شده است. (گفتنی است که ترتیب ارائه مقوله‌ها در جدول به‌نسبت تعداد کدهای هر مقوله در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و شمارش فراوانی مصاحبه‌شوندگان اشاره‌کننده به هر مقوله، بوده است) (جدول ۶)

جدول ۶: مهم‌ترین مقوله‌های اظهارشده در زمینه فرصت‌های موجود در جهت تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی توسط مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مقوله‌ها	فراوانی پاسخ‌دهندگان	درصد
۱	نیازهای اجتماعی	۱۱	۵/۷۸
۲	فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات	۹	۶۴
۳	بهره‌گیری از رشد فضای تعاملی و ارتباطی	۸	۵۷
۴	بهره‌گیری از امتیازات ناشی از سرمایه انسانی	۷	۵۰
۵	بهره‌گیری از امتیازات ناشی از تأکید بر آموزش عالی و علم و فناوری در سیاست‌های تدوین‌شده	۵	۳۶

۲۳۹

۱. نیازهای اجتماعی

۱۱ نفر (۷۸/۵ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، نیازهای اجتماعی موجود را به‌عنوان فرصتی برای آموزش عالی در برنامه‌ریزی برای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۴ بیان نمود:

اولویت‌ها و مسائل فرهنگی و اجتماعی متعددی که در کشور وجود دارد و در اسناد نیز دیده شده است، فرصتی بسیار مناسب است، نهاد آموزش عالی به‌عنوان متولی اشاعه و بازسازی فرهنگی رسالت عمده‌ای در این زمینه می‌تواند ایفا نموده و با اخذ حمایت از سازمان‌های مختلف و با طراحی و ارائه دوره‌های آموزشی می‌تواند نقش اساسی را داشته باشد.

به‌زعم مصاحبه‌شوندگان شماره ۷ و ۱۱، از نیازهای اجتماعی که وجود دارد، می‌توان در جهت بازسازی برنامه‌های درسی آموزش عالی بهره گرفت. در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۳ که متخصص در حوزه سیاست‌گذاری آموزش عالی و از سوابق مدیریتی در این

حوزه برخوردار بود اعتقاد داشت:

وجود تقاضای اجتماعی که در کشور در حوزه آموزش عالی وجود دارد و تنوع دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور که براساس این امر شکل گرفته‌اند، اگر به درستی هدایت شوند به‌عنوان فرصتی در جهت دستیابی به چشم‌اندازهای آموزش عالی محسوب می‌شوند. به‌نظر می‌توان مؤسسات آموزش عالی را با تقسیم به دو نوع آموزشی و پژوهشی، تخصصی نمود و افراد متقاضی تحصیلات آموزش عالی را به‌نحو درستی هدایت نمود و با این کار بازدهی این مؤسسات را ارتقا داد. به باور مصاحبه‌شونده شماره ۸، زمینه‌های فرهنگی و ارزشی غنی که در کشور وجود دارد می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای آموزش عالی در این زمینه در نظر گرفته شود. وی بیان داشت:

برخورداری از پیشینه فرهنگی و ارزش‌های دینی غنی که در کشور وجود دارد و منابع سرشاری که در زمینه علوم و معارف دینی و فلسفی از قدیم به‌جا مانده است به‌عنوان فرصت‌هایی تلقی می‌شوند که با استفاده از آنها می‌توان به تحقق نیازها و اولویت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه که در اسناد نیز دیده شده و طراحی رشته‌های جدید و تربیت متخصصان در راستای نیل به چشم‌اندازهای متصور برای آموزش عالی در اسناد و تسهیل انجام رسالت‌های آن اقدام نمود. اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که نیازهای اجتماعی موجود به‌عنوان فرصتی بی‌نظیر برای آموزش عالی در زمینه تحقق جهت‌گیری‌های آموزش عالی و پاسخگویی به جامعه در نظر گرفته می‌شود. همچنین آنها نقش برنامه درسی را در این راستا با اهمیت دانسته و به کارکرد اجتماعی دوره‌های آموزشی ارائه شده تأکید داشته‌اند.

۲. فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات

فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط ۹ نفر (۶۴٪) از اعضای هیئت علمی به‌عنوان فرصت برای آموزش عالی در جهت تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان داشت:

با بهره‌گیری از امتیاز فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌مدد تکنولوژی‌های جدید می‌توان دسترسی به آموزش را برای همگان هموار ساخت و عدالت آموزشی را که به‌عنوان چشم‌انداز آموزش عالی محسوب می‌گردد گسترش داد.

مصاحبه‌شونده شماره ۱ نیز که از دست‌اندرکاران در تدوین نقشه جامع علمی کشور بود اعتقاد داشت:

با بهره‌گیری از امتیاز فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌توان پیرو گسترش عدالت آموزشی در منابع بالادستی، به توسعه کمی و کیفی آموزش عالی پرداخت. به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، با بهره‌گیری از امتیاز فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌توان به روزآمد ساختن منابع آموزشی و اعضای هیئت علمی اقدام نمود. بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند با بازنگری و تغییر سازنده در برنامه درسی (مصاحبه‌شونده شماره ۵)، ایجاد انعطاف در برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه (مصاحبه‌شونده شماره ۱۳) و ایجاد رقابت سازنده در بین دانشگاه‌ها در سطح بین‌المللی همراه باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۴). مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ نیز معتقد بود که گسترش و فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات، به رشد تعاملات و تبادلات در سطح بین‌المللی و ارتباط عمیق‌تر با مراکز پژوهشی و دانشگاه‌های دیگر می‌انجامد.

خبرگان در اظهارات خود بر نقش تسهیل‌کننده و یاری‌رساننده فناوری اطلاعات در تحقق جهت‌گیری منابع بالادستی برای آموزش عالی اشاره داشته‌اند. از دیدگاه آنها تحولات شگرفی که در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات صورت گرفته و ویژگی‌های منحصر به‌فرد این تجهیزات جدید، آنها را به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر فرآیند یاددهی - یادگیری در آموزش عالی و امری اجتناب‌ناپذیر در ایفای اثربخش کارکردهای این نهاد مبدل ساخته است. جامعه ایران از لحاظ به‌روزرودن فناوری آموزشی و فراگیر شدن آن در سطح مطلوبی قرار داشته و از دیدگاه متخصصان می‌باید از این فرصت، در تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی نهایت بهره را برد.

۳. بهره‌گیری از رشد فضای تعاملی و ارتباطی

تعداد ۸ نفر (۵۷ درصد) از مصاحبه‌شوندگان، بهره‌گیری از فضای تعاملی و ارتباطی موجود در فضای آموزش عالی را به‌عنوان فرصت در این زمینه مورد توجه و تأکید قرار دادند. به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۶ پیشنهاد نمود:

استفاده از فضای گفتمانی که در جامعه و قشر دانشگاهی شکل گرفته است و استفاده از این فضا به‌منظور اینکه مفاهیم جا بیفتند و افراد بر سر مفاهیم به اجماع برسند به‌عنوان فرصت در آموزش عالی در راستای نیل به توافق ذی‌نفعان بر سر گزاره‌های چشم‌انداز و

رسالت محسوب می‌گردد.

به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ که از سابقه مدیریتی در دفتر برنامه‌ریزی وزارت علوم برخوردار و همچنین از متخصصان در حوزه برنامه درسی آموزش عالی بود، استفاده از امتیاز هم‌زبانی با کشورهای همسایه را می‌توان به‌عنوان فرصتی در نظر گرفت و به جذب دانشجویان این کشورها در آموزش عالی در راستای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها پرداخت. در این باره، مصاحبه‌شونده شماره ۴ بیان داشت:

باید از امتیاز سرآمد بودن از نظر علم و فناوری در کشورهای منطقه به‌عنوان فرصت در جهت جذب دانشجویان این کشورها در آموزش عالی اقدام نمود. تقسیم و تسهیم اطلاعاتی که امروزه در سطح جهانی وجود دارد، می‌تواند به‌عنوان فرصت در آموزش عالی در جهت تعامل با سایر کشورها از نظر علم و فناوری مورد توجه باشد.

تعاملات سازنده و فعال با سایر کشورها در زمینه علم و فناوری به‌عنوان رسالت آموزش عالی در منابع بالادستی مورد توجه قرار گرفته است و این مهم از دیدگاه خبرگان می‌تواند از طریق بهره‌گیری از فضای تعاملی در آموزش عالی حاصل گردد. خبرگان در اظهارات خود از بستری که در زمینه ارتباطات دانشگاهی و علمی در سطح داخلی و بین‌المللی در حال شکل‌گیری و گسترش است به‌عنوان فرصتی یاد کرده‌اند که باید به‌نحو مطلوب از آن در جهت تحقق جهت‌گیری منابع بالادستی آموزش عالی بهره گرفت.

۴. بهره‌گیری از امتیازات ناشی از سرمایه انسانی

بهره‌گیری از ظرفیت و سرمایه انسانی که در کشور وجود دارد، توسط ۷ نفر (۵۰٪) از مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان فرصت برای آموزش عالی در جهت برنامه‌ریزی برای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان داشت:

افزایش فارغ‌التحصیلان آموزش عالی به‌عنوان یک سرمایه اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند که اگر درست هدایت بشوند و بتوان به آنها صلاحیت حرفه‌ای را آموزش داد به‌عنوان فرصت در زمینه تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی محسوب می‌گردند.

در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۵ نیز که متخصص در حوزه برنامه درسی آموزش عالی کشور بود، این‌گونه بیان نمود:

آموزش عالی می‌باید از ظرفیت و فرصت به‌وجود آمده از رشد دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی، استفاده بهینه نماید و با اعمال مدیریت صحیح و ایجاد مراکز پژوهشی و مراکز دانش‌بنیان، از اتلاف استعدادها جلوگیری به‌عمل آورد. به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۸، گسترش افراد دارای تحصیلات عالی در کشور به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی و فرهنگی به‌حساب می‌آید که با اعمال مدیریت مناسب، می‌توان از این ظرفیت در جهت نیل به چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی با مضمون فرهنگی و اجتماعی مدد گرفت.

خبرگان در اظهارات خود بر نقش جمعیت جوان تحصیلکرده در سطوح مختلف آموزش عالی به‌عنوان نیروی بالقوه یاد کرده‌اند. بهره‌مندی از این سرمایه اجتماعی علاوه بر اینکه به‌عنوان فرصت تلقی می‌شود، مطرح می‌باشد همچنین خود به‌عنوان چشم‌انداز آموزش عالی در منابع بالادستی ذکر شده است که این امر می‌طلبد توجه ویژه و تلاش مجدانه‌ای نسبت به آن معطوف گردد.

۵. بهره‌گیری از امتیازات ناشی از تأکید بر آموزش عالی و علم و فناوری در منابع بالادستی

از نظر ۵ نفر (۳۶٪) از مصاحبه‌شوندگان، اهمیاتی که به موضوعات علم و فناوری و آموزش عالی در اسناد و سیاست‌ها مبذول گشته، فرصتی است که در اختیار آموزش عالی قرار دارد و اساس برنامه‌ریزی‌های آتی آموزش عالی و حمایت‌های اجتماعی و دولتی برای این مؤسسات تلقی می‌شود. به‌زعم مصاحبه‌شونده شماره ۱۴، تعدد سیاست‌ها و راهبردهای جهت‌دهنده و راهنما در زمینه آموزش عالی، نشان‌دهنده اهمیت و نقش به‌سزای آموزش عالی در تحقق جهت‌گیری منابع بالادستی است. مصاحبه‌شونده شماره ۴ که از متخصصان سیاست‌گذاری آموزش عالی و از سوابق و مسئولیت‌های فرهنگی در حوزه آموزش عالی کشور برخوردار بود اعتقاد داشت:

این اسناد و سیاست‌ها نقش تسهیل‌گرایانه را برای آموزش عالی در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها ایفا می‌نمایند و آموزش عالی می‌باید در برنامه‌ریزی‌های خود، این اسناد و سیاست‌ها را در نظر داشته باشد.

همچنین در این‌راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، از توجه ویژه‌ای که به علم و فناوری و آموزش عالی در برنامه‌های سیاست اقتصاد مقاومتی و برنامه ششم توسعه شده است،

به‌عنوان فرصت برای آموزش عالی در این زمینه یاد نموده است. از نظر خبرگان، جهت‌گیری‌هایی که نسبت به آموزش عالی و علم و فناوری در منابع بالادستی شده است، بر اهمیت آنها در نزد سیاست‌گذاران و متولیان تدوین اسناد بالادستی کشور دلالت دارد. این امر به‌عنوان فرصتی می‌تواند مطرح باشد که دست‌اندرکاران آموزش عالی از آن به‌منظور اخذ حمایت دولتی برای برنامه‌ریزی در زمینه کیفیت‌بخشی برنامه‌های آموزش عالی بهره‌گیرند و در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی گام بردارند.

نتیجه‌گیری

امروزه، جوامع به نقش خطیر و حیاتی آموزش عالی در پیشبرد اهداف ملی و بین‌المللی واقف بوده و توجه ویژه‌ای به کیفیت برنامه‌های آن دارند. این امر، جوامع را به تدوین چشم‌اندازها و رسالت‌هایی برای نظام آموزش عالی به‌عنوان کلیدی‌ترین نظام در جهت تحقق آینده مطلوب سوق داده است.

در پژوهش حاضر، با استفاده از تحلیل محتوای منابع بالادستی، به سازماندهی و ارائه روشنی از چشم‌اندازها و رسالت‌ها اقدام گردید. این چشم‌اندازها و رسالت‌ها به‌عنوان راهنما برای آموزش عالی مطرح‌اند، در نتیجه باید به‌طور صریح بیان شوند و در اختیار دانشگاهیان قرار گیرند. براساس متون تخصصی در زمینه تدوین رسالت آموزش عالی، تعریف و مشخص نمودن رسالت، بر قوانین و رویه‌های دانشگاهی تأثیر می‌گذارد و در تصمیم‌گیری‌های رسمی در زمینه برنامه درسی، راهنمایی دانشجوی، استخدام هیئت علمی و ارزیابی عملکرد دانشگاهی مؤثر واقع می‌شود (داورتلی و هونگ^۱، ۲۰۰۶) همچنین گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت‌هایی که در پژوهش حاضر از منابع بالادستی اکتشاف گردید می‌باید در برنامه ششم توسعه مورد توجه قرار گیرد و لحاظ شود. در حقیقت، سازماندهی روشنی که از این گزاره‌ها در پژوهش حاضر ارائه گردید به‌عنوان یک معیار و شاخص ارزیابی در زمینه میزان گنجاندن آنها در برنامه ششم توسعه و اهتمام به تحقق آنها می‌تواند مطرح باشد. نوروززاده و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان ارزیابی و تحلیل بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه از منظر اسناد فرادستی، به بررسی مطابقت مفاد برنامه پنجم توسعه در زمینه علم و فناوری با سیاست‌های محوری اسناد

فراست‌ی پرداختند. در این پژوهش، سیاست‌های محوری در حوزه فرهنگ، آموزش، پژوهش، فناوری، توانمندسازی منابع انسانی و توسعه زیرساخت‌ها، همکاری‌های فرابخشی و بین‌المللی، پاسخگویی، تشویق و مشارکت و در نهایت، مواد قانونی بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم با سیاست‌های محوری اسناد فراست‌ی تطبیق شده است.

علاوه بر ارائه روشن‌گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت و به اشتراک گذاشتن آن در میان دانشگاهیان به‌منظور آگاهی و اطلاع‌همگانی در بین ذی‌نفعان آموزش عالی، همچنین باید از ذی‌نفعان آموزش عالی در فرآیند تدوین چشم‌اندازها و رسالت‌ها بهره‌گرفت. در پژوهش تسلیمی (۱۳۸۳) که با عنوان «توصیف و تحلیل روند بخش آموزش عالی طی برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» انجام گرفته بود با این نتیجه همراه بود که کلیه ذی‌نفعان در فرآیند برنامه‌ریزی مشارکت ندارند و مجموعه تصمیم‌گیران به بخش کوچکی از اعضای هیئت کمیته برنامه‌ریزی تقلیل می‌یابد و از تدوین شاخص‌های کلیدی عملکرد غفلت می‌شود.

در پژوهش حاضر مشاهده گردید که عدالت آموزشی از سوی صاحب‌نظران، اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری به‌عنوان اولویت نخست در گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت شناخته شده است. لذا می‌باید تلاش‌های جدی در زمینه عملیاتی نمودن آن صورت گیرد. عدالت آموزشی در آموزش عالی تنها به‌معنای گسترش کمی مؤسسات و دسترسی همگان به آموزش عالی نیست، بلکه در بیان دقیق‌تر به‌معنای آن است که هر فرد از بهترین کیفیت در آموزش برخوردار باشد و از این حیث، تفاوتی بین افراد وجود نداشته باشد. مفهوم برابری فرصت‌های آموزشی این است که هر کس بتواند از طریق نظام آموزشی، امکان حداکثر رشد و موفقیت را داشته باشد و دور از هرگونه فشار مالی، اجتماعی یا فرهنگی، خود را برای مشارکت فعالانه و همه‌جانبه در جامعه آماده سازد. (جوادی، ۱۳۷۳) در حقیقت، تساوی آموزشی به‌معنای آن نیست که همگان به سطح واحدی از تحصیلات ارتقا یابند، چرا که چنین چیزی به‌دلیل تفاوت‌های فردی عملاً غیرممکن است. معنای تساوی فرصت‌های آموزشی آن است که هیچ‌کس به‌تناسب هوش و استعداد و علاقه‌ای که دارد به‌سبب نبود امکانات دیگر (بیشتر مادی) از وصول به سطح آموزشی دلخواه محروم نماند. (بهادر، ۱۳۷۱: ۱۰۴)

نکته‌ای که در اینجا از اهمیت بسیاری برخوردار است این است که تساوی فرصت‌های آموزشی به خودی خود یک هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی

و اقتصادی است. در حقیقت عدالت آموزشی ابزار اساسی نیل به عدالت اجتماعی است که در منابع بالادستی به مثابه جهت‌گیری آموزش عالی ذکر گردیده است. از آنجا که افزایش عدالت اجتماعی، هدف پذیرفته‌شده کشور ایران و همه حکومت‌هاست و مردمی‌سازی فرصت‌های آموزشی، از اهداف بزرگ سیاسی است که در غالب کشورهای جهان، قدرت‌های حاکمه حداقل آن را در اصول قبول دارند (هوزن، ۱۳۷۴: ۲۰)، چنانچه نظام پذیرش دانشجو را تنها به ساز و کارهای طبیعی و بدون دخالت آن واگذار کنیم، بی‌شک افرادی که به امکانات بیشتری دسترسی دارند، بیشترین فرصت‌ها را کسب می‌کنند.

آنچه که در وضعیت کنونی جامعه ایران در واقعیت و عمل مشاهده می‌گردد، این است که در راستای تحقق عدالت اجتماعی در کشور، دستیابی به عدالت آموزشی به‌عنوان امری ضروری و دارای اولویت نخست محسوب می‌شود و این اولویت از دیدگاه دانشگاهیان نیز در پژوهش حاضر نیز مورد توجه قرار گرفته است و آنها نیز عدالت آموزشی را از اولویت نخست برخوردار دانسته‌اند. با وجود این، با همه تلاش‌هایی که در زمینه گسترش عدالت آموزشی در داخل کشور انجام گرفته، هنوز عدالت همه‌جانبه آموزشی تحقق نیافته است و شکاف بین آرمان عدالت و واقعیت‌های موجود بسیار است. عدالت آموزشی در کشور به گسترش کمی مؤسسات آموزش عالی خلاصه شده و کیفیت‌بخشی به آموزش و ارائه آموزش با کیفیت یکسان به همه افراد مورد غفلت واقع شده است. تمرکز جامعه دانشگاهی بر تر و دارای امکانات گسترده در مرکز کشور و هجوم و رقابت سرسخت خیل عظیمی از داوطلبان برای ورود به این دانشگاه‌ها از جمله مسائل دیگر است. در این زمینه لازم است با توزیع مناسب امکانات آموزشی در دانشگاه‌های نقاط مختلف کشور و نیز پرهیز از تمرکز رشته‌ها در مرکز و توزیع آن در دانشگاه‌های نقاط مختلف کشور بنا بر شرایط و اقتضائات زیست بومی و نیازهای آن منطقه به عدالت آموزشی دست یافت. همچنین می‌باید همه دانشگاه‌های نقاط مختلف کشور از یک کیفیت آموزشی برخوردار باشند و به اقلیت‌های فرهنگی نیز در برنامه‌های درسی آموزش عالی توجه گردد.

علاوه بر این، در پژوهش حاضر نشان داده شد که تفاوت بارزی در رتبه‌بندی گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت بین صاحب‌نظران آموزش عالی با اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری وجود دارد. تفاوتی که بین خبرگان با اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری در اولویت‌بندی برخی گزاره‌ها وجود دارد، تا حدی نشان‌دهنده عدم توافق و لزوم اعمال اصلاحات بر روی گزاره‌ها می‌باشد. در صورتی که مجریان در طراحی و تصمیم‌گیری

منابع بالادستی دخالت داده نشوند، این امر سبب ایجاد شکاف در نوع نگاه و نگرش به سیاست‌ها و مفاد منابع بالادستی و عدم همراهی احتمالی با آن می‌گردد. در این فرایند، مجریان فلسفه اصلی سیاست‌گذاران و طراحان اسناد و سیاست‌ها را در نمی‌یابند و از پیامدهای این فرآیند این است که ممکن است نتایج مورد انتظار در منابع بالادستی تحقق نیابد. بنابراین با اشتراک‌گذاری گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت در بین خبرگان و ذی‌نفعان آموزش عالی می‌توان به توافق و هماهنگی اصولی در ارتباط با چشم‌اندازها و رسالت‌ها دست یافت.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر این بود که آموزش عالی در جهت تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها، با فرصت‌های ویژه‌ای روبرو می‌باشد که با اتخاذ تدابیر و راه‌کارهایی باید از آن بهره‌برداری شود. بر طبق یافته‌های پژوهش حاضر، «نیازهای اجتماعی» به‌عنوان مهم‌ترین فرصت در جهت تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها برای آموزش عالی تلقی می‌شود. در حقیقت، یکی از ویژگی‌های دانشگاه مدرن، رشد انتظارات از آنها در زمینه پاسخگویی به جامعه است. (گراوای^۱، ۲۰۱۶: ۱۰۳) میزان پاسخگویی آموزش عالی در قبال جامعه، به‌عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت در آموزش عالی در نظر گرفته می‌شود. از نظر آدامس^۲ (۲۰۱۴: ۳) ارتباط بین تعلیم و تربیت و سیاست اتخاذ شده از سوی جامعه می‌باید رشد و گسترش یابد و روش‌هایی را که در آن دولت‌ها مسائل اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهند باید در تعلیم و تربیت مورد ملاحظه قرار گیرد. حرکت‌ها و سیاست‌های اصلاحی عمده به‌مانند «ملت در خطر^۳» و «هیچ کودکی پشت در مدرسه نمی‌ماند^۴» برآمده از گفتمان‌ها، کشمکش‌ها و فعالیت‌های سیاسی و نیازهای اجتماعی بوده و به ایجاد چشم‌اندازهای هنجاری از آینده منتهی می‌شوند. (ویلیامسون^۵، ۲۰۱۳: ۳) با توجه به آنچه گفته شد، تأکید بر پاسخگویی به جامعه و توجه به نیازهای آن، باید در راس راهبردهای برنامه درسی آینده آموزش عالی قرار گیرد و از ظرفیتی که در جامعه وجود دارد در راستای تأمین انتظارات اسناد بالادستی بهره‌برداری شود.

در پایان، پیشنهادهای ذیل به‌منظور تسهیل در دستیابی به چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی از سوی دست‌اندرکاران این حوزه می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد:

1. Garraway
2. Adams
3. A Nation at Risk
4. No Child Left Behind
5. Williamson

ایجاد کارگاه‌هایی در زمینه آشنایی متولیان و برنامه‌ریزان درسی دانشگاه‌ها با چشم‌اندازها و رسالت‌ها و جهت‌گیری منابع بالادستی برای آموزش عالی بسیار ضروری می‌نماید.

تغییر نگرش دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران آموزش عالی در زمینه توجه به نظرات ذی‌نفعان (اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری) در راستای تدوین و بازنگری در چشم‌اندازها و رسالت‌ها می‌باید در دستور کار قرار گیرد.

در تدوین چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی باید ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی بین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درسی آموزش عالی وجود داشته باشد تا از برخی از ضعف‌ها و تصمیم‌گیری‌های غیر واقع‌بینانه در اتخاذ سیاست‌ها پرهیز به‌عمل آید.

دستیابی به عدالت آموزشی از دیدگاه صاحب‌نظران و نیز اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری، به‌عنوان اولویت نخست در رتبه‌بندی گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت شناخته شده است. تحقق این مهم، باید در دستور کار سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران آموزش عالی قرار گیرد و با ارائه برنامه درسی کارآمد بتوان به آن جامعه عمل پوشاند.

در پژوهش حاضر، نیازهای اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین فرصت برای آموزش عالی در راستای تحقق جهت‌گیری منابع بالادستی شناخته شد که این امر باید در سرلوحه کار برنامه‌ریزان درسی آموزش عالی با داشتن نگاهی بنیادی به جامعه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن در تدوین و هدف‌گذاری برنامه درسی آموزش عالی قرار گیرد.

در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها، آموزش عالی می‌باید به شکل فرابخشی و در تعامل با سایر سازمان‌های جامعه عمل نماید.

توجه و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود که در پژوهش حاضر مورد شناسایی قرار گرفت، باید در اجرای برنامه ششم توسعه در زمینه تحقق چشم‌اندازهای آموزش عالی در دستور کار متولیان و دست‌اندرکاران آموزش عالی قرار گیرد.

منابع

۱. الوانی، سیدمهدی و محمدرضا مردانی. (۱۳۹۱). طراحی الگوی توسعه آموزش عالی ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۱۴.
۲. امیری فرح‌آبادی، جعفر؛ محمود ابوالقاسمی و محمد قهرمانی. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران؛ مطالعه‌ای کیفی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. دوره هشتم. شماره ۴.
۳. بهادر، نگار. (۱۳۷۱). اثر آموزش بر توزیع درآمد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد. دانشگاه اصفهان
۴. جاودانی، حمید. (۱۳۸۷). بررسی الزامات جهانی شدن و چالش‌های اساسی پیش روی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۵. جوادی، محمدجعفر. (۱۳۷۳). نابرابری‌های آموزشی و ابعاد جامعه‌شناختی آن. مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت. شماره ۳.
۶. تسلیمی، محمدسعید. (۱۳۸۳). توصیف و تحلیل روند بخش آموزش عالی طی برنامه اول، دوم و سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران. تهران: هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۹۴). برنامه ششم توسعه (در دست تدوین). ابلاغیات مقام معظم رهبری. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند نقشه جامع علمی کشور. ابلاغیات مقام معظم رهبری. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۹. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۲). سند دانشگاه اسلامی. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۰. قاضی‌نوری، سیدسروش؛ حمید کاظمی؛ سعید روشنی و نیلوفر ردانی. (۱۳۹۴). بررسی اهداف و ابزارهای سیاستی در اسناد مرتبط با علم و فناوری. سیاست علم و فناوری. سال هفتم. شماره ۳.
۱۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۸۳). سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۸۴). سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴. ابلاغیات مقام معظم رهبری. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۳. مهدی، رضا. (۱۳۹۲). آینده‌پژوهش در آموزش عالی دانشگاه اسلامی، دانشگاه سازگار با محیط و زمینه. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ۱۷(۴).
۱۴. نوروززاده، رضا؛ حمید شفیع‌زاده و شادی روحانی. (۱۳۹۲). ارزیابی و تحلیل بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه از منظر اسناد فرادستی. فصلنامه راهبرد. سال بیست و دوم. شماره ۲۶.
۱۵. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۸۸). سند تحول علم و فناوری. ابلاغیات مقام معظم

- رهبری. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۶. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۹۳). *سیاست‌های کلی علم و فناوری*. ابلاغیات مقام معظم رهبری. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۷. هوزن، تورستن. (۱۳۷۴). *آموزش عالی و قشر بندی اجتماعی، یک مقایسه بین‌المللی*. زهرا گوتاش. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

18. Adams, P. (2014). *Policy and Education*. London: Routledge.
19. Antonakis, J. & R. Hooijberg, R. (2007). Cascading Vision for Real Commitment. In R. Hooijberg; J. G. Hunt; J. Antonakis; K. B. Boal & N. Lane (Eds.). *Being There Even When You Are Not: Leading Through Strategy, Structures, and Systems*. (Vol. 4, Pp. 235-249). Amsterdam: Elsevier Science.
20. Bartkus, B. R.; M. Glassman. & B. McAfee. (2006). Mission Statement Quality and Financial Performance. *European Management Journal*. 24(1). 86-94.
21. Blass, E.; A. Jasman. & S. Shelley. (2010). Visioning 2035: the Future of the Higher Education Sector in the UK. *Futures*. 42(5). 445-453.
22. Centre for Educational Research and Innovation (CERI) (2006). *OECD University Futures Scenarios: Education International's Response*. Retrieved April 9, 2015. From: http://download.eiie.org/docs/webdepot/2006_eiworkingpaperonuniversitiescenarios_en.pdf.
23. Davis, J.; J. Ruhe; M. Lee. & U. Rajadhyaksha. (2007). Mission Possible: Do School Mission Statements Work?. *Journal of Business Ethics*. No. 70. 99-110.
24. Dougherty, K. J. & E. Hong. (2006). Performance Accountability as Imperfect Panacea: the Community College Experience. In T. Bailey and V. S. Morest (Eds.). *Defending the Community College Equity Agenda*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
25. Garraway, J. (2016). Future-Orientated Approaches to Curriculum Development: Fictive Scripting. *Higher Education Research & Development*. 36(1). 102-115.
26. Hitt, M.; R. Ireland. & R. Hoskisson. (2011). *Strategic Management*. South-Western Cengage. Mason. US.
27. Lee, K. H.; M. Barker. & A. Mouasher. (2013). Is It Even Espoused? an Exploratory Study of Commitment to Sustainability as Evidenced in Vision, Mission, and Graduate Attribute Statements in Australian Universities. *Journal of Cleaner Production*. No. 48. 20-28.
28. Munck, R. & G. McConnell. (2009). University Strategic Planning and the Foresight/Futures Approach: an Irish Case Study. *Planning Higher Education*. 38(1). 31-40.
29. Rothman, S.; A. Kelly- Woessner. & M. Woessner. (2011). *The Still Divided Academy How Competing Visions of Power, Politics, and Diversity Complicate the Mission of Higher Education*. New York. Rowman & Littlefield Publishers
30. Stuart, W. & W. Keith. (1996). Spurs to Higher Things? Mission Statements of UK Universities. *Higher Education Quarterly*. 50(4). 261-294.
31. Waas, T.; A. Verbruggen. & T. Wright. (2010). University Research for Sustainable Development: Definition and Characteristics Explored. *Journal of Cleaner Production*. 18(7). 629-636.
32. Williamson, B. (2013). *The Future of the Curriculum: School Knowledge in the Digital Age*. London. Cambridge.
33. Wright, T. (2010). University Presidents' Conceptualizations of Sustainability in Higher Education. *International Journal of Sustainability in Higher Education*. 11 (1). 61-73.
34. Yoon, J. (2006). How Team Leaders Use Salient Vision and Self-Sacrifice to Enhance Team Effectiveness. In Shane R. Thye and Edward J. Lawler Eds. *Social Psychology of the Workplace*. Bingley. Emerald Group Publishing. Pp. 63-87.